بودن يا نبودن سينما، مساله اين بود

مسعود صادقي

به بهانه موج دوباره عليه سيدمحمد بهشتي شيرازي
اين چند روزه سخنان سيدمحمد بهشتي شيرازي، از مديران شاخص سينماي دهه شصت، در گفت‌وگو با ماهنامه فيلم امروز واكنش‌هاي گسترده‌اي را در پي داشته، بهشتي از نگاه بدبينانه جامعه انقلابي ايران به سينما ياد كرده و از رويكردي گفته كه آن دوره براي حفاظت از سينما در برابر اين نگاه منفي پيش گرفته است. البته اين گفته‌هاي بهشتي تازگي نداشت، خرداد ۱۳۹۷ پس از درگذشت ناصر ملك‌مطيعي همين موج رسانه‌اي عليه او به راه افتاد و بهشتي در گفت‌وگوي تصويري با ايرنا همين پاسخ‌ها را مطرح كرد. اين‌بار اما واكنش‌ها گسترده‌تر بود و از جريان‌هاي داخلي تا بي‌بي‌سي فارسي در برابر بهشتي صف‌آرايي كرده‌اند.
براي ارزيابي گفته‌هاي بهشتي نيازي به گمانه‌زني نيست، كافي است دو فراز اصلي سخنان او را با واقعيت‌هاي موجود بسنجيم: نخست آنجا كه بهشتي از جريانِ پرنفوذ و سنت‌گراي مذهبي مي‌گويد كه سينما را عامل فساد، فحشا و تباهي مي‌دانست و در كمين ريشه‌كن كردن سينما بود و دوم رويكرد بهشتي در مقام مديرعامل بنياد سينمايي فارابي براي حفاظت از نهاد سينما، آنچنان كه مي‌گويد ناگزير سينما را به شكلي گلخانه‌اي حفظ كرده و برخي ابعاد سينما را كه حاشيه‌ساز بوده، كنار نهاده تا اصل سينما را حفظ كند.

وقتي بهشتي آمد

بهشتي از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۳ مديرعامل بنياد فارابي، متولي سينماي ايران بود. نگاهي گذرا به محصولات سينمايي اين دوره نشان مي‌دهد در اين دوره سبك خاص سينماي عامه‌پسند دوره شاه كنار گذاشته شد و سينماي روشنفكري ايران كه در دوره پهلوي سر برآورده بود اما در حاشيه بود به متن سينماي ايران تبديل شد. نكته اينكه به جز نيروهاي مذهبي انقلابي، چپگراهاي ضد مذهب هم جريان سينماي عامه‌پسند آن دوره را محكوم مي‌كردند، مذهبي‌ها آن را فاسد و گروه‌هاي ماركسيستي و شبه ماركسيستي هم آن را عامل تخدير خلق به سود اهداف امپرياليسم و نظام سرمايه‌داري مي‌دانستند. بنابراين پس

از انقلاب امكان تداوم سينماي عامه‌پسند دوره شاه وجود نداشت. سينمايي كه با گرته‌برداري ساختاري از سينماي تجاري هند در محيط روايت ايراني با نام سينماي فيلمفارسي شهرت يافته بود و با شاخص‌هايي چون مضامين ساده‌انگارانه، داستان‌پردازي شتابزده و فاقد پرداخت، نبود روابط علت و معلولي، حادثه‌پردازي سطحي و اغراق‌آميز با چاشني رقص، آواز، باده‌گساري، بدمستي و البته گاه و بيگاه اشاره‌ها و رفتارهاي جنسي شناخته مي‌شد. اين سينما از ديد شاخص‌هاي هنري هم در سطح پاييني بود.در دوره نوين سينما پس از انقلاب بهرام بيضايي، ناصر تقوايي، داريوش مهرجويي، علي حاتمي، عباس كيارستمي، مسعود كيميايي، كيانوش عياري، عليرضا داودنژاد و… جريان اصلي سينماي ايران را شكل دادند و اين درحالي بود كه در اداره نمايش، نهاد هم‌عرض بنياد فارابي كه متولي تئاتر در وزارت ارشاد بود چنين امكاني فراهم نبود، در دانشگاه هم به همين ترتيب بود، از همين رو بهرام بيضايي كه از سال ۱۳۵۸ از خاستگاه خود در تئاتر دور مانده بود و در سال ۱۳۶۰ با انقلاب فرهنگي از دانشگاه اخراج شده بود در سينما همچنان فرصت فيلمسازي داشت. در عرصه بازيگري خبري از پرويز صياد، پوري بنايي، جميله رقاص و ايرن نبود اما عزت‌الله انتظامي، محمدعلي كشاورز، داود رشيدي، علي نصيريان، جمشيد مشايخي، مهدي فخيم‌زاده، عنايت بخشي، بهزاد فراهاني، شهلا رياحي، ملكه رنجبر، ژاله علو، محمد متوسلاني، بهمن زرين‌پور، آفرين عبيسي، فرامرز قريبيان، پروانه معصومي، حميده خيرآبادي، ثريا قاسمي، فخري خوروش و… در كنار برخي استعدادهاي جوان همچون عنايت شفيعي، اكبر عبدي، بيژن امكانيان، افسانه بايگان و جمشيد هاشم‌پور بيشتر ديده شدند. اگرچه جاي خالي محمدعلي فردين، بهروز وثوقي، بهمن مفيد و نصرت كريمي احساس مي‌شد اما بهشتي با آنها به گفت‌وگو نشسته و چاره‌انديشي كرده، رويكردي كه در آن دوره يك استثنا به شمار مي‌آيد.

كافي است گفته‌هاي سوسن تسليمي درباره برخورد اداره نمايش با او را مرور كنيم. بهشتي مي‌گويد، فردين بسيار آدم شريف، محترم جوانمرد و عالي بود، اما شخصيت سينمايي‌اش سينماي پيش از انقلاب را بازنمايي مي‌كرد، بهشتي موضوع را با فردين مطرح مي‌كند و از فردين مي‌خواهد تصميم بگيرد ميان حضور در سينما و غيبت موقت براي حفظ سينما، فردين پاسخ مي‌دهد: «مسلما سينما از من مهم‌تره و صبر مي‌كنم.» بهشتي به درستي از ماجراي فيلم برزخي‌ها ياد مي‌كند كه پيش از مديريت بهشتي در سال ۱۳۵۸ ساخته شد و اگرچه مضمون آن انقلابي بود اما به دليل حضور بازيگرانش از جمله فردين و ملك‌مطيعي با

واكنشهاي تندي رو به رو شد و فيلم مدتي در توقيف بود. بهشتي با اين سياست نه تنها سينماي ايران را از گزند نابودي نجات داد بلكه سينماي هنري را به جريان اصلي سينماي ايران تبديل كرد، در اين دوره خبري از شاباجي خانم، مورچه داره، خوشگل‌ترين زن عالم، دختر ظالم بلا، عروس پابرهنه، محلل، يك چمدان سكس، ممل امريكايي، شب نشيني در جهنم، كندو، مهدي‌مشكي و شلوارك داغ و… نيست اما مرگ يزدگرد، مسافران، شايد وقتي ديگر، باشو غريبه كوچك، اجاره‌نشين‌ها، هامون، كمال‌الملك، دلشدگان، خانه دوست كجاست، زير درختان زيتون، آنسوي آتش، سرب، دندان مار، ناخدا خورشيد، اي ايران و… ساخته شدند.

وقتي بهشتي رفت

بهمن ۱۳۷۲ ميرسليم، عضو موتلفه اسلامي، وزير ارشاد شد و چند ماه بعد بهشتي از بنياد سينمايي فارابي رفت. در دوره ميرسليم بسياري از كارگردان‌هاي بزرگ فضاي كار را تنگ و سخت ديدند. بيضايي سال ۱۳۷۵ از ايران به فرانسه رفت تا زماني كه خاتمي رييس‌جمهور شد و ميرسليم از وزارت ارشاد رفت. بيضايي بازگشت و پس از ۱۰ سال فيلم سگ‌كشي را ساخت. در دوره ميرسليم فيلم آشيانه كه محصول شبكه دو سيما بود و در سال۱۳۷۰ كليد خورده بود به دليل سوژه عشق، توقيف شد. اينها تازه در دهه دوم پس از انقلاب بود و افكار عمومي از جو انقلاب اسلامي فاصله گرفته بودند در همين دوره يعني سال ۱۳۷۳ اكران فيلم تحفه هند كه نمونه خفيفي از فيلمفارسي پس از انقلاب بود و در طول اين سال‌ها بارها و بارها از صدا و سيما پخش شده در پي تجمع اعتراضي انصار حزب‌الله جلوي سينما قدس توقيف شد. اما اين داستان ادامه داشت تا نوبت احمدي‌نژاد و دار و دسته‌اش رسيد كه به جان نهاد سينما افتادند و خانه سينما را منحل كردند، وقتي اصغر فرهادي در يك مراسم از كارگردان‌هاي بزرگي كه در ايران نيستند، با افسوس ياد كرد، مجوز ساخت جدايي نادر از سيمين را لغو كردند، فيلمي كه با وساطت و التماس دوباره مجوز ساخت گرفت و روياي دست‌نايافتني اسكار را حقيقت بخشيد، نزديك بود هرگز توليد نشود. شايد ارزش كار بهشتي را در مقايسه با مديران بعدي بهتر دريابيم، مديراني كه اتفاقا در فضاي مساعدتر دهه‌هاي بعدي انقلاب سكان مديريت سينما را به دست گرفتند.

□□□□□□□□ *1400* □□□ *20* □□□□□□ □□□□□□□□ :□□□□